



دانشگاه فردوسی مشهد



وزارت آموزش و پرورش

انجمن ملی پژوهش‌های روانشناسی و مشاوره
موسسه آموزش و پرورش شهرستان مشهد



Third National Conference on Professional Research in Psychology and Counseling



CIVILICA

سومین همایش ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روانشناسی و مشاوره "با رویکرد از نگاه معلم"

اصلاح عادت (دزدی کردن) در دانش آموز پایه اول

فریبا فقیهی^۱، منصور آزاد دولاب^۲

^۱ کارشناسی ارشد، روانشناسی تربیتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

اداره آموزش و پرورش جناح، آموزشگاه شهید بهزادی

f.faghihi۹۴@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد، روانشناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور بوشهر

اداره آموزش و پرورش شهرستان قشم، آموزشگاه جهاد گربدان

Azad_mansoor@yahoo.com

چکیده:

از جمله معضلاتی که در دوران کودکی ممکن است گریبان گیر دانش آموزان باشد دزدی و عمل سرقت اموال دیگر دانش آموزان در کلاس درس بوده که گاهی منجر به درگیری بین آنان می شود و بعضی اوقات موجب اتلاف وقت کلاس و درس خواهد شد. و رفتار ناصحیح معلم در برخورد با این معضل که در اثر بی حوصلگی، خستگی و... ممکن است باعث تکرار و تشدید این مشکل در دانش آموزان در آینده گردد. از همان روزهای نخست آغاز سال تحصیلی متوجه مفقود شدن خوراکی ها و پول دانش آموزان کلاس شدم بارها این مسأله تکرار شد. کلاس های دیگر این وضعیت را نداشتند. فهمیدم خطا کار از دانش آموزان کلاس خودم است. بعد از بررسی فراوان فهمیدم کار ایمانه است. هرگز سعی نکردم میچ او را بگیرم و یا از او اعتراف بگیرم. چون می دانستم او به گناه دیگری تن خواهد داد و آن دروغگویی است. سعی کردم به او مسئولیت بدهم. چون معتقد بودم انسان در چه مسئولیت، احساس شخصیت و غرور می کند و به خودسازی خواهد پرداخت. پس از آگاهی دادن غیر مستقیم به او در مورد عواقب گناه و دادن مسئولیت هایی نظیر آوردن ماژیک به کلاس، نماینده کلاس بودن، توجه و محبت به او، او تغییر کرد دیگر عادت زشت خود را تکرار نکرد. وضعیت درسی او بهتر شد. برای او جایزه خریدم و آرام آرام توانستن عادت زشت دزدی کردن را در او اصلاح کنم.

واژگان کلیدی: دانش آموز، دزدی، راههای پیشگیری.

مرحله الف)

مقدمه: (مقدمه، بیان مسئله، ضرورت، بیان اهداف، سوالات پژوهش، پیشینه پژوهش)

از مهم ترین وظایف خانواده، تربیت و پرورش فرزندان سالم، با نشاط، اخلاق و پایبند به ارزش های اجتماعی است. برای نیل به این هدف پدر و مادر همواره می کوشند تا با آموختن ارزش های پسندیده به فرزندان، آن ها را در مقابل انحرافات و آسیب های اجتماعی مصون سازد. حال این سؤال پیش می آید که با توجه به عوامل آسیب زایی که بر سر راه فرزندان وجود دارد چه باید کرد تا آن ها بتوانند در برابر این عوامل مقاوم بوده و به انحراف کشیده نشوند آیا باید سعی در نابودی عوامل انحراف و آسیب های اجتماعی از سطح جامعه نمود و یا این که خانواده با تربیت صحیح فرزندان خود این عزیزان را در مقابل هر گونه آسیب اجتماعی مقاوم سازد هر دو راه باید به موازات یک دیگر انجام گیرد، اما با توجه به این که پاکسازی محیط اجتماعی از عوامل آسیب زا همواره مقدور نیست، و در هر حال شرایطی وجود دارد که ممکن است منجر به لغزش کودکان و نوجوانان گردد. پس این خانواده است که با پرورش فرزندان متکی به نفس، مصمم آن ها را در برخورد با شرایط آسیب زا، مصون می دارد (قائمی، ۱۳۷۶).